



Original Paper

Article History:

Received: 3 April 2024

Revised: 8 May 2024

Accepted: 28 May 2024

Published Online: 21 June 2024

The Wife's Financial Rights and the Guarantee of Their Implementation in Islamic Jurisprudence and Law

Akbar Fallah¹(Corresponding Author), Ali Poursadegh Kordi², Mohammadali Kheyrollahi²

1. Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

E-Mail: akbar.fallah4040@gmail.com

2. Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Babol Branch, Islamic Azad University of Babol, Iran.

Abstract

The family, as the first and most fundamental social unit, plays a very important role in the formation and sustainability of societies. Preserving and safeguarding this sacred center requires explaining and implementing the mutual duties and obligations of the spouses. Among these obligations are the husband's financial responsibilities towards his wife, the failure to fulfill which can lead to serious problems and social crises, including divorce. In the meantime, identifying effective guarantees of execution to ensure the fulfillment of these obligations is essential. The present article examines the various dimensions of the husband's financial obligations towards his wife in the family environment and analyzes the guarantees of execution for the violation of these obligations from the perspective of Imami jurisprudence and Iranian law. The main question of this article is: What are the most important financial obligations of the husband towards his wife and what is the guarantee of the religious and legal implementation of each? By analyzing jurisprudential and legal texts, the most important financial obligations of the husband, including dowry, alimony, wages for the wife, and the nahleh, are examined, along with the civil, criminal, and jurisprudential guarantees of each. The findings show that the Iranian legal system, utilizing Islamic jurisprudence, has foreseen various tools, including notarial registration, arrest, imprisonment, the wife's right to imprisonment, fines, and even, in some cases, the right to request divorce by the wife, to guarantee these rights. Finally, this research shows that awareness of these guarantees of execution not only helps to strengthen the foundation of the family by preventing disputes, but also provides a suitable practical solution for the wife in the event of a violation of her rights.

Keywords: Marriage, financial obligations, wife, enforcement guarantee, family rights.

Citation: Fallah, A.; Poursadegh Kordi, A.; Kheyrollahi, M. (2024). The Wife's Financial Rights and the Guarantee of Their Implementation in Islamic Jurisprudence and Law. Journal of Islamic Wisdom and Law, 1 (2), 136-155. Doi: 10.71844/iwl.2024.1202023

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Islamic Wisdom and Law. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.





دوفصلنامه حکمت اسلامی و حقوق
ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد
دوره ۱، شماره ۲، پاییز - زمستان ۱۴۰۳
Sanad.iau.ir/journal/iwl
Doi: 10.71844/iwl.2024.1202023



مقاله پژوهشی

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۷

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

حقوق مالی زوجه و ضمانت اجرای نقض آن در فقه و حقوق اسلامی

اکبر فلاح^۱ (نویسنده مسئول)، علی پورصادق کردی^۲، محمدعلی خیراللهی^۳

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

akbar.fallah4040@gmail.com

۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

چکیده

خانواده به عنوان نخستین و بنیادی ترین واحد اجتماعی، نقشی بسیار مهم در شکل گیری و پایداری جوامع ایفا می کند. حفظ و صیانت از این کانون مقدس، مستلزم تبیین و اجرای وظایف و تعهدات متقابل زوجین است. از جمله این تعهدات، مسئولیت های مالی شوهر در قبال همسرش می باشد که عدم انجام صحیح آن ها می تواند به بروز مشکلات جدی و بحران های اجتماعی از جمله طلاق بینجامد. در این میان، شناسایی ضمانت اجرای مؤثر برای تضمین ایفای این تعهدات، امری ضروری است. مقاله حاضر به بررسی ابعاد مختلف وظایف مالی شوهر در قبال همسر در محیط خانواده و تحلیل ضمانت اجرای نقض این تعهدات از منظر فقه امامیه و حقوق ایران می پردازد. پرسش اصلی این مقاله آن است که: «مهم ترین تعهدات مالی زوج در مقابل زوجه چیست و ضمانت اجرای شرعی و قانونی هر یک کدام است؟» با تحلیل متون فقهی و حقوقی، مهم ترین تعهدات مالی شوهر شامل مهریه، نفقه، اجرت المثل و نخله، همراه با ضمانت اجرای مدنی، کیفری و فقهی هر یک مورد بررسی قرار می گیرد. یافته ها نشان می دهد که نظام حقوقی ایران با بهره گیری از فقه اسلامی، ابزارهای متنوعی از جمله اجرای ثبت محضری، جلب، حبس، حق حبس زوجه، جزای نقدی و حتی در مواردی حق درخواست طلاق توسط زن را برای تضمین این حقوق پیش بینی کرده است. در نهایت، این تحقیق نشان می دهد که آگاهی از این ضمانت اجراها نه تنها به تحکیم بنیان خانواده از طریق پیشگیری از اختلاف کمک می کند، بلکه راهکار عملی مناسبی برای زوجه در صورت نقض حقوقش فراهم می آورد.

کلمات کلیدی: نکاح، تعهدات مالی، زوجه، ضمانت اجرا، حقوق خانواده.

نحوه ارجاع به مقاله:

فلاح، اکبر؛ پورصادق کردی، علی؛ خیراللهی، محمدعلی (۱۴۰۳). حقوق مالی زوجه و ضمانت اجرای نقض آن در فقه و حقوق اسلامی. دوفصلنامه حکمت اسلامی و حقوق. ۱ (۲)، ۱۵۵-۱۳۶. Doi: 10.71844/iwl.2024.1202023

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Islamic Wisdom and Law. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



۱- طرح مساله

نکاح به عنوان یکی از بنیادی ترین عقود در حقوق خانواده، مشتمل بر ابعاد مختلفی از جمله تعهدات و تکالیف مالی و غیرمالی زوجین است. در ابتدای رابطه زناشویی، ابعاد معنوی و غیرمالی نکاح غالباً پررنگ تر به نظر می‌رسند، لیکن با گذر زمان و بروز نیازهای اقتصادی در زندگی مشترک، تعهدات مالی زوج در مقابل زوجه اهمیتی فزاینده می‌یابد.

با وقوع عقد نکاح، زوجین موظف به رعایت مجموعه‌ای از تعهدات متقابل می‌شوند که بخشی از آن‌ها ماهیت مالی دارد. مهم‌ترین تعهدات مالی شوهر در مقابل همسر شامل مهریه، نفقه، اجرة المثل و نحله است. با این حال، شناسایی این تعهدات به تنهایی برای تضمین اجرای آن‌ها کافی نیست. آنچه به این حقوق اعتبار عملی می‌بخشد، وجود ضمانت اجراهای قوی و مؤثر در نظام حقوقی است. فقدان ضمانت اجرا یا ضعف آن، حقوق مزبور را به توصیه‌هایی اخلاقی بدون پشتوانه اجرایی تبدیل خواهد کرد.

حقوق و تکالیف مالی زوج نسبت به زوجه در فقه و حقوق اسلامی یکی از مقولات کلیدی در علم حقوق خانواده به شمار می‌رود. این موضوع به تأمین نیازهای مالی خانواده‌ها و تصمیم‌گیری‌های مهم در روابط زناشویی پرداخته و در عین حال به تثبیت بنیان خانواده کمک می‌کند. پژوهش‌های متعددی در این زمینه انجام شده است که هر یک زوایای مختلف این موضوع را مورد بررسی قرار داده‌اند.

یکی از منابع اصلی بررسی حقوق و تکالیف مالی زوج نسبت به زوجه، متون فقهی مشهور در جهان اسلام است. برای نمونه، شهید اول در الکتاب و شهید ثانی در لمعه به تفصیل به شرایط و الزامات مالی نکاح پرداخته‌اند و تصریح کرده‌اند که شوهر موظف است هزینه‌های زندگی و نیازهای اولیه همسر و فرزندان را تأمین کند (شهید اول، ۱۹۹۰؛ شهید ثانی، ۱۹۹۲). این متون، تکالیف مالی مانند مهریه و نفقه را به صورت جدی بررسی کرده و به حقوق زن در این زمینه توجه ویژه‌ای دارند.

در دهه‌های اخیر، پژوهش‌های معاصر نیز به مسائل مربوط به حقوق مالی زوج نسبت به زوجه توجه خاصی داشته‌اند. برای مثال، سلیمی (۲۰۱۸) در مقاله‌ای به نقش مهریه در ایجاد تعادل در روابط خانوادگی اشاره کرده و نشان داده است که تعیین صحیح مهریه می‌تواند بر میزان رضایت زناشویی و استحکام خانواده تأثیرات مثبت بگذارد.

چندین پژوهش به چالش‌های حقوقی و اجتماعی پیرامون حقوق مالی زوج نسبت به زوجه پرداخته‌اند. به عنوان مثال، مولایی (۲۰۲۰) به عدم آگاهی زنان از حقوق مالی خود و تبعیض‌های قانونی موجود در برخی جوامع اسلامی اشاره کرده و بر لزوم اصلاحات قانونی تأکید دارد. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که آگاهی‌رسانی و اصلاح قوانین می‌تواند به بهبود وضعیت حقوقی زنان کمک کند.

پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهند که حقوق و تکالیف مالی زوج نسبت به زوجه در فقه و حقوق اسلامی دارای ابعاد وسیعی است. این مطالعات همچنین بر لزوم تطبیق و به‌روزرسانی این حقوق بر اساس مقتضیات زمان و مکان تأکید دارند (یوسفی، ۲۰۱۹). این گونه اصلاحات می‌تواند به تقویت نهاد خانواده و ارتقاء سطح آگاهی عمومی در جوامع اسلامی کمک کند.

بطور کلی پیشینه پژوهشی در حوزه حقوق و تکالیف مالی زوج نسبت به زوجه در فقه و حقوق اسلامی گویای گستردگی منابع و تنوع دیدگاه‌ها در این زمینه است. این موضوع نیازمند پژوهش‌های بیشتر است تا بتوان به بهبود وضعیت خانوادگی در جوامع اسلامی و استحکام نهاد خانواده کمک نمود.

گرچه پژوهش‌های متعددی در زمینه حقوق و تکالیف مالی زوج نسبت به زوجه در فقه و حقوق اسلامی انجام شده است، اما همچنان برخی خلأهای تحقیق وجود دارد که نیازمند توجه بیشتر هستند. بسیاری از مطالعات صرفاً به بررسی حقوق و تکالیف محدود به مهریه و نفقه پرداخته‌اند و از تحلیل جامع و مقایسه‌ای نسبت به سایر تعهدات مالی نظیر اجرة المثل و نحله غافل مانده‌اند. علاوه بر این، توجه به تنوع فرهنگی و اجتماعی جوامع اسلامی و تأثیر آن بر اجرای این حقوق نیز کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین، فقدان پژوهش‌های تجربی که به بررسی تأثیرات واقعی این حقوق بر روابط زناشویی و کیفیت زندگی خانواده‌ها بپردازند، از دیگر نقاط ضعف موجود در تحقیقات فعلی به شمار می‌آید. در نهایت، نیاز به پژوهش‌های بین‌رشته‌ای که بتوانند ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این موضوع را به طور جامع‌تر تحلیل کنند، احساس می‌شود.

بنابراین، سؤال اصلی این مقاله تنها محدود به شناسایی این تعهدات نیست، بلکه در پی آن است که به این پرسش بنیادین پاسخ دهد که: مهم‌ترین تعهدات مالی زوج در مقابل زوجه چیست و ضمانت اجرای شرعی و قانونی نقض هر یک از این تعهدات کدام است؟ برای پاسخ به این سؤال، هر یک از تعهدات مالی به‌طور جداگانه بررسی شده و سپس ادله و مستندات شرعی آن‌ها براساس قرآن و روایات معتبر تبیین خواهد شد. در گام بعدی، مهم‌ترین ضمانت اجرای پیش‌بینی شده در فقه و قوانین موضوعه ایران (مانند قانون مدنی و قانون اجرای محکومیت‌های مالی) برای هر مورد تحلیل می‌شود. این بررسی به تبیین ماهیت این تعهدات و چگونگی تضمین اجرای آن‌ها در روابط زناشویی کمک خواهد کرد. از مهمترین تعهدات مالی زوج در برابر زوجه می‌توان به مهریه، نفقه، اجرة المثل و نحله اشاره نمود که در ادامه ماهیت، ادله و مستندات شرعی هر کدام توضیح داده می‌شود.

۲- ماهیت مهریه، ادله و مستندات شرعی و ضمانت اجرای آن

با وقوع عقد نکاح، نخستین و مشهورترین تعهد مالی که بر ذمه زوج قرار می‌گیرد، مهریه است. این نهاد حقوقی که ریشه در فقه اسلامی دارد، تنها یک سند مالی نیست، بلکه نمادی از محبت، تعهد و مسئولیت‌پذیری مرد در قبال همسرش تلقی می‌شود. در این بخش، به تحلیل ماهیت، اقسام، مبانی و ضمانت اجرای این حق مالی زوجه پرداخته می‌شود.

۲-۱- تحلیل ماهیت فقهی حقوقی مهریه

اولاً: تعریف مهریه در فقه و نظرات فقهاء

ثانیاً: فلسفه جعل مهریه در نکاح

ثالثاً: انواع مهریه در فقه و حقوق و احکام فقهی آن

رابعاً: ادله و مستندات شرعی مهریه

اما توضیح هریک از آن‌ها:

مهریه در لغت از ریشه مهر به معنای صداق، کابین، نحله، اجرت، عقر، علائق، و محبت است. اما مهریه در اصطلاح فقهی: «هو عوض البضع فی النکاح و عن المسالك أنه فی الشرع اسم لما وجب فی مقابلة البضع بنکاح أو وطء أو موت أو تفویت البضع قهراً، وقد تقدم ما فی جعله عوض البضع. ترجمه: مهریه عوض بضع در نکاح است، و در مسالك براساس شرع وضع شده، برآنچه که در مقابل بضع زن در نکاح جعل شده است. (نجفی اصفهانی، ۱۳۶۵، ص ۲).

مهریه در نگاه نخست، تنها یک تعهد مالی ساده به نظر می‌رسد، اما تحلیل جایگاه آن در فقه و حقوق نشان می‌دهد که دارای ماهیتی چندوجهی و پیچیده است. از منظر حقوقی، مهریه را می‌توان عوض البضع یا مالی دانست که در برابر تمکین خاص به زن تعلق می‌گیرد (ماده ۱۰۸۲ ق.م.). این نگاه، مهریه را شبیه به یک قرارداد معاوضی می‌کند.

اما با تدقیق در ادله فقهی، به ویژه آیه شریفه «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً» (نساء: ۴) که بر معنای بخشش و پیشکش (نحله) تأکید دارد، مشخص می‌شود که ماهیت مهریه صرفاً معوضی نیست. بزرگان فقه نیز بر این امر تأکید دارند؛ برای نمونه، محقق داماد (۱۳۸۲، ص ۲۲۳) مهریه را نوعی هدیه از سوی مرد به زن می‌داند. این تحلیل نشان می‌دهد که مهریه همزمان دارای دو کارکرد است: از یک سو، کارکردی حقوقی ضمانتی دارد و به عنوان یک پشتوانه مالی برای زن محسوب می‌شود و از سوی دیگر، کارکردی اخلاقی عاطفی دارد و نماد محبت و تعهد مرد نسبت به همسرش است. این دوگانگی ماهوی، در تحلیل ضمانت اجرای آن نیز تأثیر مستقیم دارد.

۲-۲- نظر فقهاء در مورد مهریه

الف) مهریه مالی است: زن و مرد بر آن توافق می‌کنند، اگر چه قیمت و ارزش آن کم یا زیاد باشد (شیخ طوسی، ۱۴۱۵، ص ۲۶۴).

ب) الاصل فی الصداق نحله و هو عوض عن النکاح. ترجمه: مهریه زن، نحله و آن عوض بضع در نکاح است (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۵۸۵).

ج) مهریه مالی است، به واسطه وطی، غیراززنا و به واسطه عقدنکاح یا تفویت قهری بضع زوجه بر زن واجب می شود (شهید ثانی، ۱۴۱۶، ص ۵۳۳).

د) مهران چیزی است، زن به محض وقوع عقد نکاح یا بعد از آن یا به واسطه وطی یا آنچه که در حکم آن است، زوجه استحقاق وصول مهریه را پیدا می کند.

ر) مهران چیزی است، مسلمان بتواند آن را تملیک کند، زن و مرد بر آن توافق کنند، خواه عین یا منفعت باشد (نجفی اصفهانی، ۱۳۶۵، ص ۳۱).

ف) مالی است، زن بر اثر عقد نکاح مالک آن می گردد، مرد مکلف به تادیه آن به زن است (صفایی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۷).

ق) مهر در فقه و حقوق مالی است، زوج برای نکاح به زوجه تملیک می کند (امامی، ۱۳۷۶، ص ۴۴۲).

ک) مهر در حقوق مالی است، مرد به علت رابطه نکاح ملزم به تادیه آن به زن می شود (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۱۱۴).

۲-۳- فلسفه جعل مهریه در نکاح

چرا باید در نکاح برای زن مهر باشد، فلسفه فقهی و حقوقی آن چیست؟

فقهاء و حقوقدانان در این زمینه، نظریات و دیدگاههای متفاوتی بیان نموده اند:

الف) مهر کمبود سهم الارث زن را جبران می کند. (صفایی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۷).

ب) مهردر عوض نکاح نشانه علاقه و محبت مرد به زن است، از این طریق تمایل خود را به زن ابراز می کند. مهریه زن که برعهده شوهر است، در مقابل بضع و تمتع جنسی است (امامی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۳۸۷).

ج) مهر در برخی موارد می تواند مانع طلاق و جهت تضمین دوام و استمرار زندگی بین زوجین است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴، ص ۷۰۵).

د) مهر نوعی هدیه از سوی مرد به زن است (محقق داماد، ۱۳۸۲، ص ۲۲۳).

ر) مهر نوعی تجلی فطرت و طبیعت، قانون عشق و جذب، پاداش و نشانه ی حیاء و عزت زن، باعث بقای خانواده و باعث تعادل اقتصادی می باشد (یزدی، ۱۳۹۴، ص ۵۴۲).

۲-۴- انواع مهریه در فقه و احکام فقهی آن

مهریه به موارد زیر تقسیم بندی می شود.

الف) مهرالسنه

ب) مهرالمسمی

ج) مهرالمثل

د) مهرالمتعه

هریک از موارد فوق توضیح داده می شود.

الف) مهرالسنه

عبارت است از: مقدار و میزان مهری که پیامبر اکرم (ص) آن را مهر جمیع زوجات خود قرارداد داده است، آن پانصد درهم شرعی است، قیمت آن پنجاه دینار می باشد (محقق حلی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۷).

سید مرتضی نکاحی که بیشتر از مهرالسنه باشد، آن را منع نموده است، شهید ثانی مهریه زنی که بیشتر از مهرالسنه باشد، بر استحباب حکم نموده است. دلیل بر زیاد قرار دادن مهرالسنه روایات است (محقق طباطبایی، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۱۳۵).

ب) مهرالمسمی

مهر مالی است، زوج به زوجه تملیک می نماید. چنانچه کسی زنی را به نکاح خود در آورد. مثلاً خانه‌ی معینی یا سکه بهار آزادی و غیره را مهر او قرار دهد، در اصطلاح مهری که در عقد نکاح معین می گردد، مهر المسمی نامیده می شود (امامی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۱۴۲).

زن و شوهر می توانند، با توافق یکدیگر، مقدار و نوع مهر را تعیین کنند؛ یعنی در کنار عقد نکاح، قرارداد دیگری نسبت به چگونگی الزام مرد به دادن مهر منعقد سازند. این قرارداد تابع قواعد عمومی سایر معاملات است و موضوع آن تنها جنبه‌ی مالی دارد. زیرا بدین وسیله مرد مالی را از بابت الزام قانونی خود به زن تملیک می کند. تعیین مقدار مهر نیز به تراضی طرفین واگذار شده است. آنان می توانند خود عهده دار تعیین مهر شوند، یا به تراضی، شخص ثالثی را برای این منظور معین کنند (موسوی الخمینی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۲۸۹).

مهری که در حین انعقاد عقد با توافق طرفین معین می گردد (مهر المسمی) از جهت حداکثر، سقف محدودی ندارد، زوجین می توانند به هر اندازه مایل باشند توافق نمایند. پس از توافق و انعقاد عقد، زوج ملزم به پرداخت خواهد بود، از جهت حداقل تا آن جا که چیزی صدق مال بر آن بشود و قابل تملک باشد، می تواند مهریه قرار گیرد (محقق داماد، ۱۳۸۲، ص ۲۲۵).

قراردادی که زن و مرد راجع به مهر می بندند، یک قرارداد تبعی است، یعنی قراردادی است راجع به مال، جدا از اصل نکاح ولی تابع عقد مزبور است، بدین جهت شرایط اساسی صحت معامله در مورد قرارداد مهر نیز لازم الرعایه است. بنابراین چیزی که به عنوان مهر تعیین می شود، باید دارای شرایط عمومی مورد معامله باشد:

- مهر باید مالیت داشته باشد، یعنی دارای ارزش داد و ستد اقتصادی باشد، به عبارت دیگر بتواند عوض در یک قرارداد معوض قرار گیرد.

- مهر باید قابل تملک به وسیله‌ی زن باشد. بنابراین، اموال و مشترکات عمومی مانند جاده‌ها و باغ‌های عمومی و موقوفات را نمی توان مهر قرار داد.

- هرگاه مهر عین معین باشد، باید در زمان عقد موجود باشد. اگر معلوم شود، آن عین در زمان عقد موجود نبوده، تعیین مهر باطل خواهد بود.

- مالی که مهر قرار داده می شود، باید ملک شوهر باشد.

- مهر باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آن بشود، معلوم باشد.

- مهر باید معین باشد، یعنی نمی توان یکی از دو یا چند چیز را به طور مردد، مهر قرار داد.

- مهر باید منفعت عقلایی داشته باشد.

- شوهر باید قدرت بر تسلیم مهر داشته باشد، وگرنه تعیین مهر درست نخواهد بود.

- اعیان و منافع و حقوق مالی مطلقاً می تواند مهریه قرار گیرد، به شرط آن که صدق مال بر آن شود و قابل تملک باشد. کار و نیروی انسانی نیز از آن جا که منفعت محسوب است، می تواند مهریه قرار گیرد، هر چند کار خود زوج باشد، مثل آن که زوج بر عهده گیرد، زوجه را به علمی از علوم یا فنی از فنون آموزش دهد (محقق طباطبایی، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۱۴۱).

ج) مهر المثل

عبارت از مقدار مالی است، به عنوان مهر برای امثال و بستگان زن در نکاح معین می‌گردد. در تعیین مهر المثل وضعیت طبیعی زن از حیث زیبایی، سن، بکارت، سلامت مزاج و عقل، همچنین وضعیت اجتماعی او از حیث دانش، ادب، عفت، تمول، و موقعیت خانوادگی در نظر گرفته می‌شود. بالجملة در تعیین مهرالمثل آن چه مورد رغبت و تمایل در ازدواج با زن است مورد توجه قرار می‌گیرد. اصل متن فقه: مهرالمثل فی الموضع الذی یجب، یعتبر بنساء أهلها من أمها، و أختها، و عمتها، و خالتها، و غیر ذلک. و لا یجاوز بذلک خمسمائة درهم، فان زاد علی ذلک مهرالمثل اقتصر علی خمسمائة (شیخ طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۸۲). قانون مدنی برای مهرالمثل سقفی معین نکرده، در این جهت از یکی از دو قول موجود میان فقهاء تبعیت نموده، قول اول فقهاء همان شرطی است که مهرالمثل نباید از مهرالسنة (پانصد درهم) تجاوز نماید (نجفی اصفهانی، ۱۳۶۵، ص ۵۸).

با توجه به این که در قانون مدنی این نظر پذیرفته نیست و محدودیتی در تعیین مهرالمثل نیست، در صورت بروز اختلاف دادگاه میزان مهرالمثل را با توجه به عوامل مختلف، در آن مؤثر است تعیین خواهد کرد.

برابر قانون مدنی، زن در موارد زیر مستحق مهرالمثل است:

- هرگاه مهر در عقد تعیین نشده باشد و قبل از تراضی بر مهر معین، میان زوجین نزدیکی واقع شود (شهید ثانی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۳۴۸).

- هرگاه عدم مهر در عقد شرط شده باشد و قبل از تراضی زوجین بر مهر، نزدیکی واقع شود.

- هرگاه توافق درباره‌ی مهرالمسمی به جهتی باطل باشد، چنان که مال تعیین شده مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد.

- هرگاه نکاح باطل و زن جاهل به بطلان بوده و نزدیکی هم واقع شده باشد. ماده ۱۰۹۹ قانون مدنی در این خصوص می‌گوید: در صورت جهل زن به فساد نکاح و وقوع نزدیکی، زن مستحق مهرالمثل است (صفایی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۴).

در مورد زمان تعیین مهرالمثل، نظر فقهای اسلامی در این خصوص متفاوت است. به نظر می‌رسد، اقوی قیمت زمان نزدیکی است. به دیگر سخن، مهرالمثل با توجه به ارزش‌های آن زمان تعیین می‌شود. در روز دخول است، مهرالمثل در ذمه شوهر ثابت و واجب می‌شود، مانند قیمت مال مضمون در روز تلف در ذمه قرار می‌گیرد، پس قیمت آن روز باید ملاک عمل باشد (نجفی اصفهانی، ۱۳۶۵، ص ۵۴).

(د) مهر المتعه

متعّه در لغت به معنای بهره‌مند شدن و لذت بردن است، در اصطلاح مهر المتعه از آیه ۲۳۶ سوره بقره گرفته شده است: (لا جناح علیکم ان تطلقتم النساء مالم تمسوهن او تفرضوا لهن فریضه و متعوهن علی الموسع قدره و علی المقتر قدره متاعا بالمعروف حقا علی المحسنین). در فقه آمده است، چنانچه در عقد نکاح، مهرالمسمی نباشد، یا عدم مهر شرط شده باشد، شوهر قبل از مواقعه و تراضی به مهر و یا تعیین مهر، زن خود را طلاق بدهد، اگر کسی که حکم در تعیین مهر، در مفوضه المهر شده، قبل از تعیین مهریه فوت نماید و مواقعه‌ای نیز نشده باشد، مهر المتعه تعیین خواهد شد. در صورتی که جدایی از طریق فوت یا فسخ انجام گیرد چنین مهری بر ذمه‌ی زوج نخواهد آمد (محقق حلی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۲).

دادن مهرالمتعّه برای جبران توهینی است، نسبت به زن در اثر طلاق قبل از نزدیکی حاصل شده است. قانون مدنی در ماده ۱۰۹۴ می‌گوید: برای تعیین مهر المتعه حال مرد از حیث غناء و فقر محاسبه می‌شود (امامی، ۱۳۷۶، ص ۴۸۸). برای تعیین مهر المتعه دیگر زیبایی و شرافت و شایستگی زن مورد نظر نیست؛ مرد باید به تناسب ثروت خود مالی به زن بدهد.

متن فقهی: ثم إنّه لا خلاف و لا کلام فی أنّه یعتبر فی المتعّه حال الزوج بالنسبة إلى السعة و الاقتار و تشهد به الآیة الکریمة: علی الموسع قدره و علی المقتر قدره (شیخ طوسی، ۱۴۱۵، ص ۲۷۳).

بنابراین، مهرالمتعّه و مهرالمثل در موردی معین می‌شود یا در عقد ذکری از مهر نشده باشد یا تراضی در باب مهرالمسمی باطل اعلام شود. پس از این حیث مهرالمثل و مهر المتعه شباهت دارند، ولی میان آنها سه تفاوت وجود دارد:

- در تعیین مقدار مهرالمثل صفات و حالات زن ملاک است، ولی مهرالمتعّه به تناسب دارایی مرد معین می‌شود.

-مهرالمثل به طور معمول در صورتی داده می‌شود، بین زن و مرد نزدیکی واقع شده باشد، ولی مهرالمتعه اختصاص به نکاحی دارد که پیش از نزدیکی به طلاق منتهی شود.

-استحقاق زن در گرفتن مهرالمثل بعد از نزدیکی ایجاد می‌شود، خواه زوجیت ادامه یابد یا در اثر طلاق یا فوت یا فسخ، نکاح منحل شود، ولی مهرالمتعه در صورتی به زن داده می‌شود که پیش از نزدیکی، مرد زن خود را طلاق دهد. پس اگر در اثر فوت یکی از زوجین یا خيار فسخ یا درخواست طلاق از طرف زن، نکاح از بین برود، زن حق مطالبه مهرالمتعه ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۱۵۲).

لازم به ذکر است که در اصطلاح فقه یک نوع از مهریه، عنوان مفوضه نامیده می‌شود. مفوضه در لغت از ریشه فوض به معنی واگذار کردن است، در فقه به زنی گفته می‌شود، تعیین مهریه را به عهده شوهرش سپرده باشد، مفوضه دو نوع است.

الف) مفوضه البضع

مهریه در ضمن عقد نکاح دائم ذکر نشده است و طرفین عقد می‌توانند بعد از انجام عقد نکاح مهریه را با توافق یکدیگر معین کنند.

ب) مفوضه المهر

زنی که در عقد نکاح تعیین مهر او، به اختیار یکی از زوجین یا شخص ثالث باشد. اگر تعیین مهریه به دست زن است بیشتر تعیین نکند، اگر دست مرد است کمتر تعیین نکند (یزدی، ۱۳۹۴، ص ۵۲۵).

۲-۵- ادله و مستندات شرعی مهریه

مهمترین ادله و مستندات شرعی مهریه

الف) قرآن

ب) روایات

هریک به صورت جدا توضیح داده می‌شود.

الف) قرآن

برخی از آیات قرآن بر مهر دلالت می‌کنند.

-آیه اول: سوره نساء آیه ۴ خداوند می‌فرماید: وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً.

ترجمه: مهریه زنان را به عنوان بخشش پرداخت نمایید. واژه‌ی صداق و نحلّه از این آیه گرفته شده است.

-آیه دوم: سوره بقره آیه ۲۳۷ خداوند می‌فرماید: وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَ قَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ.

ترجمه: هرگاه زنان را قبل از همبستری طلاق دادید، نیمی از مهر آنان را پرداخت کنید. واژه‌ی فریضه از این آیه اتخاذ گردیده است.

-آیه سوم: سوره نساء آیه ۲۴ خداوند می‌فرماید: فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ.

ترجمه: یعنی از زنانی که استمتاع می‌برید، اجر آنان را پرداخت کنید. این آیه بر نکاح منقطع تفسیر شده، لذا بر مهریه‌ی نکاح منقطع

اجر (مزد) اطلاق گردیده است (محقق داماد، ۱۳۸۲، ص ۲۲۳).

ب) روایات

-روایت اول: عن الفضیل بن یسار، عن ابی عبدالله(ع)، فی الرجل یتزوج المراه ولا یجعل فی نفسه ان یطیعها مهرها فهوزنا (شیخ

حرعاملی، ۱۴۰۶، ص ۲۶۶).

ترجمه: در مورد مردی که با زنی نکاح کرده، نیت کرده که به زن مهریه ندهد، این عمل در حکم زنا است.

-روایت دوم: عن محمد بن مسلم قال: سالت ابا جعفر (ع): متى يجي المهر؟ فقال: اذا دخل بها (شيخ حر عاملی، ۱۴۰۶، ص ۳۱۹). ترجمه: در چه زمانی مهریه زن واجب است، امام فرمود: هرگاه مرد با زن نزدیکی کند.

۲-۶- تحلیل ضمانت اجرای عدم پرداخت مهریه: از ابزار مدنی تا اهرم فقهی

مهریه به عنوان یک تکلیف مالی از ناحیه زوج به زوجه در عقد نکاح تعهد می شود و حقوق زوجه در برابر عدم پرداخت آن، از منظر فقهی و حقوقی همواره محل مناقشه بوده است. در کنار فقه، قوانین موضوعه ایران نیز ابزارهای متنوعی را برای تضمین پرداخت مهریه یا جبران نقض حقوق مالی زوجه پیش بینی کرده اند. در ادامه، به بررسی سه دسته ضمانت اجرای عمده می پردازیم: حق حبس، اجرای ثبت محضری، جلب و حبس، و همچنین مسئولیت مدنی و خسارت دیرکرد. ضمانت اجرای مهریه صرفاً محدود به یک سازوکار حقوقی نیست، بلکه ترکیبی هوشمندانه از ابزارهای حقوقی و فقهی است که هر کدام بر یکی از ابعاد ماهوی مهریه استوارند.

- حق حبس (ماده ۱۰۸۵ ق.م.): این حق، به زوجه اجازه می دهد تا پیش از دریافت مهریه از ایفای وظایف زناشویی خودداری کند. به لحاظ فقهی-مدنی، این حق ابزار قدرتمند و هم سطحی است که ارتباط مستقیم با کارکرد ضمانتی مهریه دارد. فلسفه این حق ایجاد تعادل در رابطه زناشویی است؛ همان گونه که زن موظف به تمکین است، مرد نیز مکلف به پرداخت مهریه است و خودداری هر یک از طرفین می تواند تعلیق وظایف طرف دیگر را در پی داشته باشد. در این منظر، ضمانت اجرای مذکور به صورت هم سطح و متقابل عمل می کند.

- اجرای ثبت محضری (ماده ۲۲ قانون اجرای محکومیت های مالی): این سازوکار، با هدف سرعت بخشی به وصول مهریه، وصول دین مهریه را بدون طی مسیر دادرسی امکان پذیر می سازد. قانون گذار با تصریح مهریه در زمره «دیون» و نگاه به آن به عنوان یک دین مالی، به این ابزار امکان می دهد تا به عنوان یک ابزار اجرایی اداری-حقوقی به کار گرفته شود و رسیدگی حقوقی را تسهیل نماید. این رویکرد بازتاب دهنده نگاه حقوق محض به مهریه به عنوان یک دین مسلم است.

- جلب و حبس (مواد ۲ و ۳ قانون اجرای محکومیت های مالی): حبس مدنی بدهکار، هرچند برای وصول طلب است، اما از منظر بازدارندگی نیز حایز اهمیت است. این اقدام در وضعیت های نهادی قانونی، به عنوان آخرین چاره و شدیدترین ابزار فشار برای ایفای تعهدات مالی به کار می رود و نشان می دهد که نظام حقوقی تعهد ناشی از عقد نکاح را به شدت جدی می گیرد.

مجموعه این ضمانت اجراها نشان می دهد که قانون گذار ایران با الهام از فقه، سامانه ای تدریجی و چندلایه برای وصول مهریه طراحی کرده است. این سامانه از یک ابزار درون خانوادگی و فقهی آغاز می شود (حق حبس)، به عنوان یک مکانیسم اداری-حقوقی (اجرای ثبت محضری) تسریع می یابد و در نهایت، در صورت لزوم، با ابزارهای قهری و محدودکننده آزادی (حبس مدنی) تکمیل می گردد. این رویکرد تعادلی ظریف میان احترام به حریم خانواده و الزام به اجرای تعهدات را برقرار می سازد و نشان می دهد که کارایی حقوقی مهریه در گستره ای همزمان از جنبه های خصوصی و عمومی مدیریت می شود.

۳- ماهیت نفقه، ادله و مستندات شرعی و ضمانت اجرای آن

از جمله تعهدات مالی بین زوجین پرداخت نفقه است، در این زمینه موارد زیر بررسی می شود.

اولاً: تعریف نفقه

ثانیا: شرایط وجوب نفقه

ثالثاً: ملاک میزان و مقدار نفقه

رابعاً: ویژگی های نفقه زن

خامساً: ادله و مستندات شرعی نفقه

هریک از موارد فوق توضیح داده می‌شود.

۳-۱- ماهیت نفقه: تکلیفی ناشی از قوامیت

نفقه در لغت به معنای خرجی، هزینه کردن یا انفاق، بخشش یا پرداخت کردن هزینه زندگی زن و فرزند و مایحتاج معاش زندگی آنها است. نفقه در اصطلاح فقه: صرف هزینه‌ی خوراک، پوشاک، مسکن، اثاث خانه، جامه به قدر حاجت، توانایی زوج و خادم در حدود مناسب شرعی و عرفی و وضع و شأنیت زندگی زوجه براساس قانون و شرع می‌باشد (یزدی، ۱۳۹۴، ص ۵۶۵).

برخی از فقهاء در مورد نفقه زن معتقدند: برای نفقه زن برحسب شرع میزانی وجود ندارد، بلکه معیار آن چیزی که زن به صورت متعارف برای گذراندن زندگی روزمره خود به آن نیازمند است. ازجمله موارد عرفی: طعام، لباس، مسکن، لوازم زندگی، لوازم تنظیف، لوازم داروئی، وسایل راحتی، خادم برای امور زندگی خود و غیره و هر آن چیزی که عرف زندگی زن اقتضاء می‌کند، عنوان نفقه زن می‌باشد (نجفی اصفهانی، ۱۳۶۵، ص ۳۳۱). برخی دیگر از فقهاء در مورد نفقه زن معتقدند: نفقه زن در حدود رفع نیازمندی‌های زن و در چارچوب شان، منزلت او می‌باشد، نفقه زن شامل: همه نیازمندیهای متعارف، متناسب با وضعیت زندگی و معیشت او می‌باشد، بنابراین هزینه دارو و درمان حتی هزینه‌های پزشکی سنگین نیز شامل نفقه زن است (گنجینه آراء فقهی قضایی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۴).

ماده‌ی ۱۱۰۷ قانون مدنی در تعریف نفقه زوجه مقرر می‌داشت: نفقه، مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت به طور متعارف با وضعیت زن مناسب باشد و خادم در صورت عادت داشتن زن به خادم یا احتیاج او به واسطه‌ی مرض یا نقصان اعضاء. چنان که ملاحظه می‌شود، ماده‌ی مذکور فقط مسکن، پوشاک، خوراک و اثاثیه‌ی خانه و خدمتگذار را ذکر کرده، از سایر چیزهایی که عرفاً مورد احتیاج زن است، مانند: هزینه‌های دارو، درمان، آرایش و شست و شو، سخنی نگفته بود. ظاهر قانون حاکی از آن بود، این گونه هزینه‌ها، جزء نفقه نیست (صفایی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۱).

چنانچه از کلام بسیاری از فقهای مشهور امامیه در کتب فقهی برمی‌آید، هزینه‌های متعارف زن جزء نفقه زن است، مشهور فقهاء، دارو، هزینه مداوا به عهده شوهر نیست (نجفی اصفهانی، ۱۳۶۵، ص ۵۷).

قبول این موضوع هزینه‌های دارو، درمان، و امور پزشکی جزء نفقه زن نباشد، بر خلاف مصلحت خانواده، اجتماع، با ذوق سلیم، عرف، عدالت، انصاف و جوانمردی سازگار نبود. از این رو، نظر حقوق دانان بر این بود، آن چه در ماده‌ی ۱۱۰۷ آمده است حصری نیست و هر چیزی که بر حسب متعارف مورد احتیاج زن استسزء نفقه است و مرد باید آن را فراهم کند. خوشبختانه، ماده‌ی ۱۱۰۷ قانون مدنی اصلاحی ۱۳۸۱، ابهام ماده‌ی پیشین را رفع کرده و نفقه‌ی زوجه را شامل همه‌ی نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن دانسته است. و در نفقه‌ی زن، چنان که از ماده‌ی ۱۱۰۷ ق.م بر می‌آید: وضعیت و احتیاجات زن به طور متعارف ملاک عمل است نه وضعیت مرد، پس اگر زن از خانواده‌ی متمکنی باشد، شوهر به ناچار باید وسائل زندگی او را آن چنان که شأن، وضع اجتماعی و خانوادگی او اقتضاء می‌کند، فراهم آورد (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۱۴۲).

برخلاف مهریه که ماهیتی عوضی و توافقی دارد، نفقه تکلیفی است که قانون بر عهده زن نهاده است. این تکلیف ریشه در مفهوم قوامیت مرد دارد که در آیه شریفه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء: ۳۴) به آن اشاره شده است. قوامیت به معنای مدیریت و سرپرستی خانواده است و در مقابل این مسئولیت، تکلیف انفاق قرار دارد. بنابراین، نفقه نه یک دین قراردادی، که تکلیفی قانونی و شرعی است که به محض عقد دائم و تمکین زن، برای مرد ایجاد می‌شود. این تفاوت ماهوی، دلیل اصلی شدیدتر بودن ضمانت اجرای نفقه نسبت به مهریه است؛ چرا که عدم پرداخت نفقه، مستقیم‌ترین تأثیر را بر معیشت و سلامت خانواده می‌گذارد و نظم عمومی جامعه را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

۳-۲- شرایط وجوب نفقه

قوانین مربوط به نفقه شامل موارد، دستورات فقهی و حقوقی بر وظایف مرد در پرداخت هزینه‌های متعارف و معقول زندگی زن می‌باشد، در مورد شرایط احراز چنین حقی از لحاظ فقهی.

الف) وقوع عقد نکاح

ب) وقوع عقدنکاح دائم

ج) تمکین

هریک از موارد و نظرفقهاء در این مورد بیان می‌شود.

الف) وقوع عقدنکاح

به محض وقوع وانعقاد علقه و نطفه عقد نکاح بین زن و مرد، حقوق و تکالیف شرعی بین آنها شکل می‌گیرد، آن دو ملزم به اجرای تکالیف و حقوق مشترک و مختص در زندگی زناشویی می‌باشند. در نکاح فاسد و بین طرفین زن و مرد، عقد نکاحی واقع نشده است، هیچ گونه تکلیف و وظایفی بر عهده آنها نیست، بلکه خلاف اخلاق و شرع و عمل آنها پیگرد قانونی دارد (محقق داماد، ۱۳۸۲، ص ۲۸۳).

ب) وقوع عقد نکاح دائم

آنچه که از کلام مشهور فقهاء، نفقه زن منحصر در نکاح دائم می‌باشد، در نکاح منقطع زن مستحق نفقه نیست. فقهاء بر این مساله روایت و برآن اجماع ذکر نموده‌اند، خلافتی بر این قول وجود ندارد (نجفی اصفهانی، ۱۳۶۵، ج ۳۱، ص ۳۰۳).

ادله و مستندات شرعی آن

-روایت اول: عن عبدالله بن قاسم عن هشام بن سالم، عن ابی عبدالله (ع) فی حدیث فی المتعه، قال: ولانفقه و لاعدہ علیک. ترجمه: در حدیثی در مورد نفقه متعه نقل شده است: امام فرموده: برای متعه نفقه وعده نیست (محقق طباطبایی، ۱۴۱۹، ص ۲۵۶).

ج) تمکین

تمکین در لغت به معنی تن در دادن، در اصطلاح فقه و حقوق در دو معنی می‌باشد، عبارتند از:

-تمکین عام

-تمکین خاص

تعریف هر یک از آنها، عبارتند از:

-تمکین عام: حسن معاشرت زن با شوهر و اطاعت از او در امور مربوط به زناشویی است، شامل خوش رفتاری و خوشروئی زن نسبت به شوهر، رعایت نظافت، آرایش خود در مقابل شوهر آن گونه که مقتضای زمان و مکان و موقعیت و حیثیت خانوادگی آنها است و خارج نشدن زن از منزل شوهر بدون اجازه شوهر و حتی رفتن زن به منزل پدر و مادر و فرزندان خود حتی نوع مراوده با دیگران همه باذن و اجازه شوهر و در فرمان شوهر باشد، تمکین عام است (امامی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۴۴۷).

-تمکین

تمکین خاص: تمکین جنسی با شوهر است، زن باید همیشه آماده برای شوهر باشد، مگر زمانی که زن بیمار یا عذر شرعی و غیره داشته باشد، اگر زن در مقابل شوهر تمکین نکند عنوان ناشزه، در این صورت زن مستحق نفقه نخواهد بود (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۶۷).

۳-۳- ملاک میزان و مقدار نفقه

در مورد میزان، مقدار، حدود نفقه زن بین فقهاء مشهور اختلاف نظر است، عبارتند از:

الف) ملاک در میزان نفقه زوجة وضعیت مالی و معیشتی زوج می‌باشد، این نظر شیخ طوسی است (شیخ طوسی، ۱۴۱۵، ص ۲۶۴).

ب) ملاک در مقدار و میزان نفقه زوجه وضعیت مالی و معیشتی زوجین است (تفرشی، ۱۴۰۸، ص ۱۶۷).

ج) ملاک در میزان، مقدار نفقه زوجه حال، وضعیت و شرایط عرف زندگی زوجه است (شهید ثانی، ۱۳۹۶، ص ۳۵۴).

حال براساس نظر سه گانه‌ای بیان شده است، اکثر فقهای امامیه از جمله سید مرتضی، شیخ مفید، محقق حلی، علامه حلی، شهیدین، محقق کرکی، صاحب ریاض، صاحب بدایع، صاحب مفاتیح، صاحب جواهر، خوئی و دیگران، نظرسوم را پذیرفته و معتقدند: نفقه رفع همه نیازمندیهای زوجه برحسب متعارف و عرف، عادت زندگی اوست، آنچه زن در زندگی زناشویی به آن نیاز دارد، زوج مکلف می‌باشد، براساس عرف آنها را مهیا سازد (موسوی الخمینی، ۱۳۸۰، ص ۷۵۶).

از سوی دیگر شرط مهم در پرداخت نفقه زوجه علاوه بر وقوع نکاح دائم، تمکین زوجه در برابر زوج است، اگر زوجه تمکین نکند، مستحق نفقه نیست، ولی در اجرای حق حبس طبق ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی، عدم تمکین در وصول مهریه موجب سقوط نفقه زوجه نیست (هدایت نیا، ۱۳۸۶، ص ۷۵).

رابعا: ویژگی‌های نفقه زن

مهمترین ویژگی‌های نفقه زن

- نفقه زن مقدم بر نفقه اقارب زوج است.

- زن می‌تواند نفقه گذشته خود را ازدادگاه مطالبه کند.

- زن می‌تواند نفقه آینده خود را ازدادگاه مطالبه کند.

- نفقه زن مطلق است و مشروط به معسر و موسر زوج نیست.

- نفقه زن تکلیف یک جانبه است، زن حق ندارد به شوهر نفقه بدهد.

- نفقه زن نفقه معوضه محسوب می‌گردد، یعنی پرداخت نفقه زن در مقابل تمکین خاص و عام و بیشتر تمکین خاص (جنسی) است.

- نفقه زوجه بر دیگر دیون زوج جزء دیون ممتازه، مقدم بر آنها است (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۱۴۸).

۳-۴- ادله و مستندات شرعی نفقه

مهمترین ادله و مستندات شرعی نفقه

الف) قرآن

ب) روایات

هریک از موارد فوق به طور مختصر توضیح داده می‌شود.

الف) قرآن

برخی از آیات قرآن به عنوان ادله و مستندات شرعی نفقه

- سوره طلاق آیه ۷ خداوند فرموده است:

خداوند متآن در قرآن کریم می‌فرماید:

لینفق ذوسعه من سعة ومن قدر علیه رزقه فلینفق مما اتاه الله.

ترجمه: باید مردم و سرو متمکن از ثروت خود، آنچه که خداوند به عنایت نموده است، باید نفقه زوجه را پرداخت کند.

-سوره نساء آیه ۱۹ خداوند فرموده است:

و عاشرهن بالمعروف.

ترجمه: در زندگی زناشویی با زنان خود به انصاف و خوش خلقی رفتار کنید.

-سوره نساء آیه ۳۴ خداوند فرموده است:

الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض وبما انفقوا من اموالهم.

ترجمه: مردان را بر زنان حق تسلط و نگرهبانی است، به واسطه‌ای آن برتری که خدا بعضی را بر بعضی مقرر داشته و هم به واسطه‌ای آن که مردان از مال خود نفقه دهند. این آیه اشاره دارد به مسئولیت مردان نسبت به پرداخت نفقه و تأمین مخارج زندگی زن، بردوش زوج می‌باشد و زن در این خصوص هیچ مسئولیتی ندارد.

-سوره بقره آیه ۲۳۳ خداوند فرموده است:

على المولود له رزقهن وكسوتهن بالمعروف.

ترجمه: بر عهده‌ی صاحب فرزند است که خوراک و لباس مادر را به حد متعارف بدهند.

با کمی تعمق در آیات الهی متوجه این واقعیت می‌شویم، خداوند قادر دستوراتی را مستقیماً خطاب به مردان داده است که رعایت آن‌ها واجب و تخطی از آن دستورات و فرامین الهی به هیچ وجه ممکن نیست، زیرا دین اسلام به نقش مردان، وظایف و تکالیف آن‌ها نسبت به زنان اهمیت فراوانی داده است، همین مؤید شگفتی و دلالتی است بر ظرافت‌های عظیم الهی در زندگی انسان و از جمله در روابط زناشویی و وظایف مشترک آن‌ها نسبت به یکدیگر، تکالیف مختص مالی زوج در مقابل زوجه که پرداخت نفقه در حد متعارف و عرف است (محقق طباطبایی، ۱۴۱۹، ص ۲۵۵).

ب) روایات

برخی از روایات بر ادله و مستندات شرعی نفقه زن

-روایت اول: عن اسحاق بن عمار، انه قال: قال ابو عبد الله (ع) عن حق المراه على زوجها؟ قال: يشبع بطنها ويكسو جثتها و ان جهلت غفرلها (شيخ حرعاملی، ۱۴۰۶، ص ۵۰۴).

ترجمه: حق زن بر عهده مرد چیست؟ امام فرمود: وظیفه زوج این است، زن را سیر کند، لباس برای او بخرد، اگر خطا کرده او را ببخشد.

-روایت دوم: عن شهاب بن عبد ربه قال: قلت لابی عبد الله (ع): ما حق المراه؟ قال: يسد جوعتها و يستر عورتها و لا يقبح لها وجهها (شيخ حرعاملی، ۱۴۰۶، ص ۵۱۴).

ترجمه: حق زن چیست؟ امام فرمود: مانع گرسنگی زن باش، عورت او را بپوشان، بر او عبوس نباش.

۳-۵- تحلیل ضمانت اجرای عدم پرداخت نفقه

نفقه از ضروریات معیشت زن در حال زندگی مشترک است و در صورت عدم پرداخت یا تمکین نکردن شوهر، ابزارها و راهکارهای قانونی متعددی برای حفاظت از حقوق زوجه پیش‌بینی شده است. ضمانت اجرای نفقه نشان‌دهنده مداخله جدی دولت برای حمایت از کیان خانواده است:

حق درخواست طلاق (ماده ۱۱۲۹ ق.م.): این حق یک ضمانت اجرای انحرافی است. قانون‌گذار به زن این اختیار را می‌دهد که در صورت تنگدستی دائمی مرد یا امتناع وی از پرداخت نفقه، از دادگاه تقاضای طلاق کند. این عمل نشان می‌دهد که ادامه زندگی زناشویی بدون تأمین حداقل‌های معیشتی، فاقد توجیه شرعی و عقلی است و قانون، راه خروج از چنین بن‌بستی را برای زن باز گذاشته است.

جرم ترک انفاق (ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده): این مهم‌ترین تمایز ضمانت اجرای نفقه است. قانون‌گذار با جرم‌انگاری خودداری از پرداخت نفقه، به صراحت اعلام می‌کند که این عمل یک تخلف مدنی، بلکه یک تخلف از نظم عمومی و ارزش‌های اجتماعی محسوب می‌شود که مستحق مجازات کیفری (حبس) است. این امر به دلیل اهمیت والای نفقه در حفظ سلامت و کرامت اعضای خانواده است. مجازات کیفری، علاوه بر جنبه بازدارندگی، بیانگر این مفهوم است که جامعه خود را مکلف به دفاع از حقوق تضییع شده زن می‌داند.

ضمانت اجرای حقوقی (ماده ۱۱۰۸ ق.م.): محرومیت زن ناشزه از نفقه، در واقع یک ضمانت اجرای متقابل و مبتنی بر اصل تفسیری معاوضی در قرارداد نکاح است. این ماده نشان می‌دهد که رابطه حقوقی زوجین یک رابطه یک‌طرفه نیست و حقوق و تکالیف آنان در قبال یکدیگر قرار دارد.

ضمانت اجرایی نفقه، ترکیبی از مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی (اجرای حکم پرداخت) و مسئولیت خانوادگی (حق طلاق) است. این رویکرد چندوجهی حاکی از آن است که قانون‌گذار، نفقه را تنها یک دین شخصی ندانسته، بلکه آن را امری مرتبط با نظم عمومی و اخلاق جامعه می‌داند که دولت حق و تکلیف دارد برای حفظ آن مداخله کند. در صورت وجود ادله تمکین یا عدم تمکین، دادگاه به‌طور جداگانه به بررسی وضعیت نفقه می‌پردازد و تصمیم مناسب اتخاذ می‌کند. بنابراین ضمانت‌های اجرای عدم پرداخت نفقه در حقوق ایران، به شکل ترکیبی از ابزارهای حقوقی اجرایی و مصالح فقهی طراحی شده‌اند تا ضمن حفظ امنیت معیشتی زوجه، از کارکرد مناسب ازدواج و تعهدات خانوادگی نیز حفاظت کنند.

۴- ماهیت اجرت المثل، ادله و مستندات شرعی و ضمانت اجرای آن

از جمله تعهد مالی بین زوجین پرداخت اجره المثل به زن از جهت انجام امورات منزل از جمله: نظافت، شست و شوی، پختن غذا و غیره است، موارد زیر بررسی می‌شود.

اولا: تعریف اجره المثل

ثانیا: شرایط استحقاق اجره المثل

ثالثا: ادله و مستندات شرعی آن

هریک از موارد فوق مختصرا توضیح داده می‌شود.

۴-۱- تعریف اجره المثل

اجرت‌المثل به معنای پرداختن اجرت و دستمزد کارهایی است، زن در منزل شوهر انجام داده است، در حالی که این امور از وظایف شرعی او نبوده و برای این کار قصد تبرع یا مجانی بودن نیز نداشته باشد. ازسوی دیگر اجره المثل در نظام فقهی و حقوقی در جهت حمایت از حقوق مالی زوجه پیش بینی شده و به موجب آن زن حق دریافت اجره المثل کارهایی که او در ایام زوجیت در منزل زوج انجام داده است، زوجه استحقاق دریافت آنرا طبق شرایط مقرر و با رعایت موازین فقهی را دارد، زیرا دریافت اجرت یک حق قطعی برای زن در حقوق اسلام است که طبق آن زن می‌تواند برای کارهای که غیر واجب بوده و در منزل شوهر انجام داده مثل: شیر دادن و نظافت منزل و پخت و پز و غیره زن می‌تواند، از زوج مطالبه اجرت نماید. زیرا تنها وظیفه اصلی زن پس از ازدواج تمکین خاص در مقابل شوهر است (یزدی، ۱۳۹۴، ص ۴۳).

۴-۲- شرایط استحقاق اجره المثل

اجرت المثل یکی از حقوق ویژه ای است، شرع و قانون برای زنان در نظر گرفته است. اجرت المثل یک موضوع مهم شرعی است، در شرع مقدس اسلام زن وظایف خاصی در زندگی زناشویی دارد، قانون و شرع برشمرده‌اند، این وظایف شامل تمکین عام و تمکین خاص

است و مهمترین آن تمکین خاص میباشد، مطابق قانون به محض ازدواج میان زن و مرد وظایف و تکالیف خاصی بین آنها برقرار می‌شود، آنها باید نسبت به یکدیگر انجام دهند، این امر موجب استحکام قوام خانواده می‌شود.

بنابراین مهمترین شرایط استحقاق زن نسبت به اجره المثل:

الف) زن از وظایف زناشویی خود تخلفی نکرده باشد.

ب) زن درزندگی مشترک سوء معاشرت نداشته نباشد.

ج) انجام کارهای منزل شرعاً به عهده زوجه نبوده باشد.

د) انجام کارها به دستور زوج با درخواست او باشد.

ر) زن برای انجام کارها قصد تبرع نداشته باشد.

اگر زن به خاطر رضای خدا کاری انجام نداده باشد، اگرچه واقعیت این است، زنان غالباً امور خانه را به قصد تبرع انجام می‌دهند، اگر این امر بر دادگاه ثابت شود، زن مستحق اجرت المثل نخواهد بود.

۴-۳- ادله و مستندات شرعی آن

روایت خاص در این زمینه است که براساس مضمون آن اینگونه بیان شده است: هرگاه شخصی به امر دیگری کاری انجام دهد، چنانچه این کار عرفاً دارای ارزش اقتصادی و مالی و بدون قصد تبرع و مجانی صورت بگیرد، در این حالت امر به اندازه اجرت المثل ضامن است، در حقیقت ادله این موضوع بر مبنای قاعده فقهی احترام است، زیرا انسان آزاد فی نفسه مال نیست، اما کار او و تخصص او ارزشمند می‌باشد، مال محسوب می‌گردد، اصل روایت: عمل المسلم محترم مالم یقصد التبرع. بنابراین براساس قاعده احترام انسان و منافع و تخصص او کاری که انجام داده است استحقاق دریافت اجرت را دارد، یکی از این مصادیق بارز، منافع زن در منزل شوهر امورات جاری منزل شوهر را انجام می‌دهد، پس او مستحق اجرت است (محقق داماد، ۱۳۸۲، ص ۲۱۷). از سوی دیگر ماده ۳۳۶ قانون مدنی می‌گوید: هرگاه کسی برحسب امر دیگری اقدام به عملی نماید که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مهیای اجرای آن عمل باشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۲۸۲).

حال در تبصره ماده ۳۳۶ قانون مذکور اینکه: هرگاه طلاق به دلیل سوء معاشرت زوج و یا هر عامل دیگر حتی به دلیل سوء معاشرت زن و یا طلاق به دلیل شرط ضمن عقد نکاح قید گردد، در این صورت زن همچنان مستحق دریافت اجره المثل خواهدبود و نیز طبق قاعده اقدام و حرمت عمل انسان که فعل انسان محترم است، زوجه مستحق اجرت المثل است.

۴-۴- ضمانت اجرای مطالبه اجرت المثل

اجرت المثل به عنوان دستمزد معادل کارهایی است که زوجه به‌طور عادی و بدون قصد تبرع انجام داده است. از منظر حقوقی، معمولاً به شکل دعاوی مدنی مطرح می‌شود و با صدور رأی قطعی دادگاه، تعهد شوهر به پرداخت مبلغ مربوط مشخص می‌شود. پس از این رأی، روش‌های اجرایی برای وصول اجرا می‌شود.

۱- صدور حکم دادگاه

تعریف و کارکرد: زوجه باید دادخواست حقوقی ارائه دهد و اثبات کند که کارهای انجام‌شده توسط وی بدون قصد تبرع بوده و مقدار اجرت المثل بر اساس عرف و شرایط خانوادگی محاسبه می‌گردد.

معیارهای ارزیابی: دادگاه معمولاً با بررسی مستندات مانند اسناد عقدنامه، شناسنامه کاری همسر، رفتارهای روزمره و عرف معمول جامعه، مبلغ اجرت المثل را تعیین می‌کند.

نتیجه قانونی: در صورت اثبات، دادگاه حکم به پرداخت مبلغی به عنوان اجرت‌المثل صادر می‌کند و مهلت اجرای حکم تعیین می‌شود.

۲- اجرای حکم

تعریف و کارکرد: بعد از صدور حکم قطعی، اجرای آن دقیقاً مانند سایر احکام مالی پیگیری می‌شود.

ابزارهای اجرایی:

- توقیف اموال زوج
- جلب و حبس (در موارد خاص و به تشخیص دادگاه و مطابق قانون اجرای محکومیت‌های مالی)
- سایر سازوکارهای اجرایی موضوعه در قانون اجرایی محکومیت‌های مالی

ملاحظات اجرایی:

- فرآیند اجرا باید با حفظ حقوق دفاعی طرفین و رعایت قوانین مربوط به توقیف و حفظ ثبات خانوادگی انجام شود.
- ممکن است در برخی مواقع با وجود حکم، مسائلی همچون اعسار یا وجود دارایی غیرقابل توقیف یا پنهان‌سازی دارایی مواجه شویم که دادگاه براساس تشخیصات قضایی اقدام می‌کند.

اجرت‌المثل به‌طور عمده یک دین مالی مدنی است و ضمانت اجرای آن بر پایه اجرای احکام مدنی است، نه کیفری. برخلاف برخی ضمانت‌های نفقه که ممکن است جنبه‌های کیفری نیز داشته باشد (در موارد ترک انفاق)، اجرت‌المثل بیشتر در چارچوب حقوق مدنی و اجرای احکام مالی پیگیری می‌شود.

اهمیت مستندات و اثبات در دعاوی اجرت‌المثل بالا است، زیرا مقدار اجرت‌المثل معمولاً از معیارهای عرفی و شرایط خانوادگی نشأت می‌گیرد و نیازمند توضیح و شواهد معتبر است.

ضمانت اجرای مطالبه اجرت‌المثل، به‌طور عمده از مسیر حقوق مدنی و اجرای احکام مالی دنبال می‌شود. با صدور حکم قطعی، زوج می‌تواند از ابزارهای اجرایی برای وصول مبلغ مقرر استفاده کند تا حقوق مادی ناشی از کارهای انجام‌شده به وی بازگردانده شود.

۵- ماهیت نحل، ادله و مستندات شرعی و ضمانت اجرای آن

از جمله تعهد مالی بین زوجین نحل است، موارد زیر بررسی می‌شود.

اولاً: تعریف نحل

ثانیاً: شرایط تحقق نحل

ثالثاً: ادله و مستندات شرعی آن

رابعاً: نظر فقهاء و حقوقدانان در مورد نحل

هریک از موارد فوق به‌طور خلاصه توضیح داده می‌شود.

۵-۱- تعریف نحل

نحل در لغت به معنای بخشش و هدیه و عطیه و بذل مال و اعطای آن به صورت مجانی و تبرعی است. اما نحل در اصطلاح فقه نوعی بخشش و هدایای زوج جهت استحکام کانون زندگی و بخاطر رضایت قلبی و طیب نفس خود، مالی یا اموالی را به همسر خود می‌بخشد. و یکی از نکاتی که در این زمینه باید مورد توجه قرارگیرد، نحل با اجرت‌المثل قابل جمع نیست، به این معنا اگر شرایط تعلق اجرت‌المثل زمان زوجیت نباشد، زن دارای شرایط اخذ نحل می‌شود. نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، در تعیین نحل بر خلاف

اجرت المثل، نیازی به کارشناسی نیست و مبلغ را قاضی دادگاه تعیین می‌کند، بنابراین تفاوت اصلی نحله با اجره المثل زوجه در اظهار نظر کارشناسی است، در تعیین اجره المثل معیار و ضابطه قطعا با نظر کارشناس امور خانواده می‌باشد. در حالی که در تعیین نحله برای زن نیازی به اظهار نظر کارشناس نیست. پس نحله یکی از جنبه‌های مالی در مساله حقوق خانواده و مختص زن می‌باشد (یزدی، ۱۳۹۴، ص ۵۵۲).

۵-۲- شرایط تحقق نحله

زن جهت دریافت نحله از سوی دادگاه باید دارای شرایط ذیل باشد.

الف) باید تقاضای طلاق به دادگاه از سوی مرد باشد، درخواست طلاق از سوی زن نباشد (یزدی، ۱۳۹۴، ص ۵۵۳).

ب) تقاضای طلاق به دلیل تخلفات زن از وظایف زناشویی مانند: تمکین یا سوء اخلاق و رفتارهای دیگر مانند فحاشی و غیره نباشد.

ج) امکان پرداخت اجرت المثل به زوجه وجود نداشته باشد.

نتیجه اینکه با توجه به شرایط فوق و عنایت به سنوات زندگی مشترک و نوع کارهایی که زوجه در زندگی مشترک در خانه شوهر انجام داده، و توانایی مالی زوج، دادگاه مبلغی را از باب هدیه و بخشش یعنی نحله برای زوجه تعیین می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۲۹۳).

۵-۳- ادله و مستندات شرعی نحله

مهمترین ادله و مستندات شرعی آن

الف) قرآن

ب) روایت

هریک به صورت جدا توضیح داده می‌شود.

الف) قرآن

سوره بقره آیه ۲۴۲ خداوند فرموده است: للمطلقات متاع بالمعروف حقا علی المتقین. ترجمه: برای زنان مطلقه هدیه مناسب لازم است، پرداخت کنید، این حق است برای مردان پرهیزگار.

سوره نساء آیه ۴ خداوند فرموده است: واتوا النساء صدقاتهن نحله ترجمه: مهریه زنان را به عنوان هدیه و بخشش بپردازید (محقق داماد، ۱۳۸۲، ص ۲۲۳).

ب) روایت

و قال النبی (ص): تهادوا فان الهدایا تذهب و حر الصدر.

و قال النبی (ص): تهادوا تحابوا فان الهدیه تذهب بالسخیمه.

ترجمه: پیامبر (ص) فرموده است: به یکدیگر هدایا بدهید، بدوستی هدیه دادن به یکدیگر موجب می‌شود، کینه و دشمنی بین افراد از بین می‌رود. و پیامبر (ص) فرموده است: به یکدیگر هدیه بدهید که دشمنی و حقارت را از بین می‌برد، بدوستی هدیه دادن دشمنی‌های دیرین و کهنه را از میان می‌برد و به دوستی تبدیل می‌کند (شیخ حرعاملی، ۱۴۰۶، ص ۴۶۲).

۵-۴- نظر فقهاء و حقوقدانان

نحله یعنی بخشش از روی طیب نفس و رضایت خاطر و به کار رفتن این واژه از آن جهت است که مهر جنبه اهدائی و پیشکشی و عطیه برای زن در مدت زندگی زناشویی است (محقق داماد، ۱۳۸۲، ص ۲۲۳).

مبنای قراردادن نحله، به جهت جبران خسارت زن در مورد سوءاستفاده شوهر از حق طلاق است، از این جهت آنچه به زن داده می‌شود، حق قانونی اوست، و عنوان بخشش نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۲۹۲).

۵-۵- ضمانت اجرای اعطای نحله

نحله از نهادهای قضایی و تکلیفی است که به عهده دادگاه نهاده شده و هدف آن جبران خدمت زوجه در دوران زندگی مشترک است. در این بخش، فرآیند و ابزارهای اجرایی اعطای نحله را مرور می‌کنیم و تفاوت‌های اساسی آن را با دیگر ضمانت‌های مالی روشن می‌سازیم. نحله تعهدی است که دادگاه با توجه به شرایط زندگی مشترک، سنوات زندگی مشترک و کارهایی که زوجه در خانه شوهر انجام داده است، به طور اختیاری صادر می‌کند.

به علت ماهیت اختیاری، مبلغ نحله ممکن است با تفاوت‌هایی از اجرت‌المثل یا مهریه تعیین شود.

اختیار دادگاه (ماده ۲۹ قانون حمایت از خانواده)

تعریف و کارکرد: دادگاه می‌تواند عندالاجتضا و با توجه به شرایط، سنوات زندگی مشترک و نوع کارهایی که زوجه در خانه شوهر انجام داده است، حکم به پرداخت نحله صادر کند.

معیارها و ملاک‌ها:

- طول مدت زندگی مشترک و مصالح خانوادگی
- نیازهای زمانی و نقش‌های خانوادگی زوجه
- اصول انصاف و عدالت در تقسیم وظایف

نحله یک دین حکم‌گونه است که به تصمیم دادگاه و با ملاحظات فقهی و حقوقی بستگی دارد، نه صرفاً با کارشناسی کمیت کارهای انجام‌شده.

اجرای حکم

تعریف و کارکرد: حکم دادگاه مبنی بر پرداخت نحله، مانند سایر احکام مالی، از طریق سازوکارهای اجرایی قانون اجرا می‌شود.

ابزارهای اجرایی مشابه با سایر احکام مالی:

- توقیف اموال زوج
- جلب و حبس (در صورت عدم توانایی یا خودداری از اجرای حکم، تحت نظر قوانین مربوط)

تفاوت کلیدی با اجرت‌المثل:

- مبلغ نحله به صورت اختیاری و براساس انصاف تعیین می‌شود، نه صرفاً بر پایه ارزیابی کارشناسی کارهای انجام‌شده.
- اجرت‌المثل معمولاً معیاری عرفی و قراردادی دارد، در حالی که نحله براساس عدالت قاضی و شرایط خاص خانواده تعیین می‌شود.

چون نحله به اختیار قاضی بستگی دارد، مستندسازی دقیق از شرایط زندگی، مدت زمان زوجیت و وظایف زوجه می‌تواند در وصول نحله مؤثر باشد. بررسی همزمان ابزارهای دیگر مانند نفقه یا مهریه در کنار نحله می‌تواند به حفظ امنیت معیشتی زوجه کمک کند.

۶- نتیجه گیری

آنچه در زمینه تبیین حقوق و تکالیف مشترک هریک از زوجین در نظام حقوق ایران و فقه مطرح شده است، ایفای وظایف مشترک زوجین در مقابل یکدیگر است. همچنین به وضوح مشخص است که تبیین حقوق و تکالیف مشترک هریک از زوجین در نظام حقوق ایران

و فقه اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مسئولیت‌های مالی شوهر نسبت به همسر، نظیر مهریه، نفقه، اجرة المثل و نحله، جزو مهم‌ترین حقوقی هستند که در چارچوب شرعی مقرر شده‌اند و بر هر یک از زوجین فرض می‌سازد تا نسبت به اجرای صحیح و کامل این تعهدات اقدام کنند.

در این مطالعه مبانی فقهی و حقوقی تعهدات مالی زوج در برابر زوجه همچون مهریه، نفقه، اجرة المثل، نحله و ضمانت اجرای نقض آن‌ها بررسی گردید. با وجود پشتوانه فقهی غنی این مجموعه حقوقی، کارآمدی آنها در فضای اجتماعی امروز با چالش‌ها و خلأهای ساختاری و اجرایی مواجه است که فراتر از متون قانونی و منابع فقهی است. شکاف بین حقوق مصرح در قانون و کارآمدی عملی نمایان می‌شود و پاسخ به این پرسش را ایجاب می‌کند که بازنگری عمیق و آینده‌نگر در دو سطح نظری اخلاقی و عملی قانونی انجام گیرد.

چالش‌های اصلی در چهار محور مطرح می‌شود: (۱) چالش اقتصادی و تناسب ابزارهای اجرایی با واقعیت‌های اقتصادی خانواده که مهریه‌های کلان و نهاد نفقه را به نمادهای کارکردی نامناسب تبدیل کرده است؛ (۲) چالش اجرایی و ناکارآمدی ضمانت‌اجراها، به ویژه تناقض بین هدف عدالت و آثار حبس، همراه با دشواری‌های اثبات دعاوی و طولانی بودن روندها؛ (۳) چالش فرهنگی حقوقی و خلأهای نظری در مبنای مهریه و نبود وحدت رویه قضایی و همسویی قوانین با نقش روزافزون زنان در خانواده‌های مدرن؛ (۴) خلأ پژوهشی و فقدان نگاه میدانی برای ارزیابی تأثیر واقعی این سازوکارها بر کیفیت زندگی خانوادگی. در نتیجه، بازنگری جامع شامل بازتعریف فلسفی مفاهیم، اصلاحات قانونی با طراحی مکانیسم‌های شناور و سازگار با اقتصاد روز، توسعه پژوهش‌های میدانی و آگاهی‌بخشی جامعه‌محور ضروری به نظر می‌رسد تا حقوق خانوادگی به سمت تفاهم و مسئولیت‌پذیری مشترک و حفظ کرامت انسانی هدایت شود.

منابع

- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۷). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. جلد ۲. قم: نشر اسماعیلیان.
- امامی، سید حسن (۱۳۷۶). *حقوق مدنی*. جلد ۴ و ۵. تهران: انتشارات اسلامیه.
- تفرشی، میرزا محمد مهدی (۱۴۰۸). *بدایع الاحکام*. جلد ۲. قم: نشر الهادی.
- سلیمی، محمد (۱۳۹۷). نقش مهریه در تعادل بخشی به روابط خانوادگی. *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*. ۴۸ (۲)، ۶۲-۴۵.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی بن احمد عاملی (۱۳۹۶). *الروضه البهیة فی شرح المعه الدمشقیة* (جلد ۲، چاپ دوم). قم: نشر مکتبه اسماعیلیان.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی بن احمد عاملی (۱۴۱۶). *مسالك الافهام فی شرح الشرايع الاسلام محقق حلی*. جلد ۸. قم: نشر مکتبه اسماعیلیان.
- شیخ حر عاملی (۱۴۱۶). *وسایل الشیعة*. جلد ۱۸ و ۲۱. قم: نشر مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵). *المبسوط فی فقه الامامیه*. جلد ۴. قم: نشر مکتبه المرتضویه.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۸). *الخلاف*. جلد ۴. قم: نشر مکتبه المرتضویه.
- صفایی، سید حسین؛ امامی، اسدالله (۱۴۰۰). *حقوق خانواده*. جلد ۱ و ۲. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). *حقوق مدنی: خانواده*. جلد ۱. تهران: انتشارات میزان.
- محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفر بن حسن (۱۳۸۴). *شرايع الاسلام*. جلد ۲. تهران: نشر استقلال.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۲). *بررسی فقهی حقوق خانواده: نکاح و انحلال آن*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محقق طباطبایی، سید علی (۱۴۱۹). *ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالادله*. جلد ۷. قم: نشر دارالهادی.

- مکی عاملی، محمد بن جمال الدین (شهید اول) (۱۹۹۰). //الکتاب. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- موسوی الخمینی، روح الله (۱۳۸۰). //النکاح. جلد ۷. قم: نشر مؤسسه اسماعیلیان.
- مولایی، علی (۱۳۹۹). چالش‌های آگاهی زنان از حقوق مالی خود در نظام حقوقی ایران. *مجله مطالعات حقوق زنان*. ۱۲ (۱)، ۱۱۸-۱۰۱.
- نجفی اصفهانی، شیخ محمد حسن (۱۳۶۵). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*. جلد ۳۱. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- واحدی، قدرت‌الله (۱۳۹۸). *حقوق مدنی: اعمال حقوقی (قواعد عمومی قراردادها)*. تهران: انتشارات دادگستر.
- یوسفی، سیدرضا (۱۳۹۸). انطباق حقوق مالی زوجین با مقتضیات زمان. *فصلنامه پژوهش‌های حقوقی*. ۱۸ (۳۵)، ۳۹-۲۵.

References

- Emami, S. H. (1997). *Hoghooghe Madani*. Vol. 4. Tehran: Islamic Publications. (in persian)
- Jafarilangaroudi, M. J. (2008). *Al-Faragh*. Vol. 4. Tehran: Ganj Danesh Publications. (in persian)
- Safaei, S. H. (2005). *Mokhtasar Hoghooghe Khanevadeh*. Tehran: Tehran University Press. (in persian)
- Katouzian, N. (2006). *Hoghooghe Madani Khanevadeh*. Tehran: Mizaan Publications. (in persian)
- Salimi, M. (2018). The role of dowry in family relationships. *Journal of Family Law*. 15 (2), 45-62. (in persian)
- Molaei, A. (2020). Legal challenges of women in Islamic family systems. *Journal of Social Studies*. 7 (1), 101-118. (in persian)
- Yousefi, S. (2019). Correspondence of spouses' financial rights with contemporary needs. *Quarterly Journal of Law and Sociology*. 12 (3), 25-39. (in persian)
- Judiciary Jurisprudential Research Center (2018). *Ganjineh Arai Fiqhi va Qazayi*. Qom: Supreme Judicial Council Research Center (in persian).
- Mohaghegh Damad, S. M. (2003). *Barrasiye Fiqhi Va Hoghooghi Khanevadeh*. Tehran: Islamic Sciences Publications. (in persian)
- Yazdi, O. (2015). *Daneshnameh Hoghooghe Khanevadeh*. Tehran: Ava Publishing. (in persian)
- Heidarnia, F. (2007). *The Right of Retention in the Context of Fulfilling the Dowry*. Tehran: Islamic Law Publication. (in persian)